

«سخنی با رضا پهلوی و وکالت دهندگان به او»

محمدجواد مظفر [?]

آقای رضا پهلوی، نیک میدانید که در اواخر سال ۵۶ یا اوایل سال ۵۷ زمانی که ۱۷ سال داشتید ایران را ترک کرده و به آمریکا رفتید. هم اکنون ۶۲ ساله اید، در ایام تحصیل در مدرسه نیز در محل کاخ نیاوران، دوران دبستان و دبیرستان را گذرانده اید. صادقانه پاسخ دهید با توجه به چنین شرایطی شما چه درک و شناختی از جامعه ایران، مردم ایران و مسائل و مشکلات آنان خواه در دوران زمامداری پدرتان و نیز در ۴۵ سال گذشته دارید؟ آیا در ۴۴ سال گذشته حاضر شده اید نقدی جدی و اساسی از زمامداری پدر و پدربزرگتان داشته باشید، آیا این بدان معنا نیست که ما همواره گرفتار مطلق بینی مستبدانه از هر سو هستیم؟

آقای رضا پهلوی، بد نیست یکبار هم شده نحوه به حکومت رسیدن پدر و پدربزرگتان را از زبان شما بشنویم. تا نسل جوان با واقعیت های تاریخ معاصر آشنا شوند. مرحوم مهندس بازرگان می گفت انقلاب دارای دو رهبر بود یکی محمد رضا پهلوی و دیگری امام خمینی. و من که سال ها تدریس تاریخ انقلاب را در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی عهده دار بوده ام هر چه مطالعه کردم بیشتر به این نتیجه رسیدم که انقلاب یک عامل اصلی داشت و او محمد رضا پهلوی بود که با تکیه بر خود محوری، استبداد و اشتباهات فاحش سبب ساز انقلاب شد.

بارها به پرسش جوانان که چرا شما انقلاب کردید پاسخ داده ام که: «کسی انقلاب نمی کند، انقلاب می شود. انقلاب محصول انسداد تمامی راه های اصلاحی توسط حکومت هاست.» و حکومت شاه با تکیه بر استبداد مطلقه چنین کرد.

از آقای رضا پهلوی می خواهم صادقانه آمار تعداد اعدام ها و کشته شدگان سیاسی در زندان های پدرشان را اعلام کند. از او می پرسم آیا شما معنی شکنجه ای به نام دستبند قپانی را می دانید؟! من می دانم، در ۱۹ سالگی در ساواک شیراز به همراه ضرب و شتم بسیار از آن نصیب برده ام. شما شکنجه ای به نام آپولو را می شناسید، آیا شما شکنجه گران معروفی به نام حسینی با آن کابل هراسناکش که از هر شکنجه ای درد آور تر بود و یا منوچهری و ده ها تن دیگر را می شناسید؟ اینان همه در ساواک تحت امر پدرتان از جوانان پذیرایی می کردند. شما طعم حضور در سلول انفرادی (مخصوص یک نفر) را چشیده اید که ۹ نفر را در آن جای داده باشند و یک نفر از آنان پیرمرد ۸۰ ساله ای باشد که قادر به کنترل خود نبوده و در کاسه ای که در کنار سلول گذاشته بودند با حضور ۹ نفر ادرار کند؟ من در ۲۴ سالگی در کمیته به اصطلاح ضد خرابکاری پدرتان حضور در چنین سلولی را چشیده ام.

برای آنکه طرفداران ناسزای گوی شما عجله نکنند و من را مزدور جمهوری اسلامی ندانند، همین جا بگویم که ۳ بار هم در سال های گوناگون طعم سلول انفرادی و بازجویی های ! طولانی شبانه و زندان در بندهای گوناگون اوین را در جمهوری اسلامی نیز نصیب برده ام به گمان من یادآوری یک جریان تاریخی برای روشن شدن چگونگی برخورد محمدرضا پهلوی با معضلات سیاسی شایسته تأمل است.

در اردیبهشت ۱۳۵۶ سه نفر از سران جبهه ملی به نام های کریم سنجابی، شاپور بختیار و داریوش فروهر نامه ای به شاه نوشتند و ضمن نقد شرایط حاکم به او گفتند فقط شما می توانید با تغییر سیاست ها کشور را از این شرایط خارج کنید. شاه در اوج تبختر و غرور در یک سخنرانی در پاسخ به آن نامه گفت: «مه فشانند نور و سگ عو عو کند!» اما یک سال و نیم بعد ناگزیر شد به همان ها متوسل شود که پست نخست وزیری را بپذیرند و سرانجام شاپور بختیار آن را پذیرفت در حالی که بسیار دیر شده بود.

در سال های ۴۹ تا ۵۱ سربازی بودم در دوران آموزشی در پادگان فرح آباد تهران ۹ ۴۰۰۰ نفر دیپلمه و ۲۰۰۰ نفر لیسانس تا دکتری آموزش نظامی می دیدند. می دانید در حدود دو ماه مانده به مراسم ۲۱ آذر هر روز صبح در مراسم صبحگاه، سپهبد جعفر شفق زرنال آجودان شاه و کامبیز آتابای رییس اصطبل شاهی، اسب شاه را دور میدان می گرداندند و ما ۶۰۰۰ نفر ناگزیر بودیم در هر دور برای اسب شاه هورا بکشیم! تا گوش های اسب شاه به هورا عادت کند و روز ۲۱ آذر در هنگام سان دیدن شاه از نیروهای نظامی، از صدای !!! هورای آنان شاه را زمین نزند

فکر نمی کنید محصول چنین تحقیری برای ۶۰۰۰ هزار جوان تحصیل کرده آن بود که هفت سال بعد فریاد برآورند: «تا شاه کفن نشود، این وطن و وطن نشود»؟ آقای رضا پهلوی، صادقانه پاسخ دهید آیا پدر و پدربزرگ شما در قامت شاه مشروطه و در چهارچوب قانون اساسی حکومت کردند؟ آیا هرگز از خود نپرسیده اید چرا آنان آشکارا قانون اساسی مشروطه را در راه حاکمیت مطلقه زیر پا گذاردند؟

بد نیست آقای رضا پهلوی یکبار هم که شده پاسخ دهد جشن های پرهزینه شاهنشاهی از جیب کدام مردم تأمین می شد؟ آیا میلیون ها انسان محروم که در روستاها، حاشیه شهرها، گود نشینان و کپر نشینان که در آن سال ها شاهد برگزاری جشن بیست و پنجمین سال سلطنت محمدرضا شاه در سال ۴۵، جشن تاجگذاری در سال ۴۶، جشن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در ۱۳۵۰ و جشن پنجاهمین سال سلطنت پهلوی در سال ۵۴ بودند این اقدامات را در جهت ! منافع خود می دیدند؟

دولت شریف امامی در چهارم شهریور ۵۷ زمام امور را به دست گرفت. چرا در نخستین ۱ اقدامات خود انحلال حزب رستاخیز و آزادی فعالیت احزاب و بازگشت از تاریخ شاهنشاهی به تاریخ هجری را به عنوان اقدامی در جهت رضایت مردم اعلام کرد؟! تا آن تاریخ در تظاهرات پراکنده در شهرهای ایران هیچ سخن و شعاری از سوی مردم را درباره ی حزب رستاخیز و تاریخ شاهنشاهی مشاهده نمی کنید. این اقدام دولت شریف امامی آیا جز این بود

که خود کارگزاران نظام قبول داشتند که شاه نباید دست به این کارها می زد؟ اساساً تأسیس و انحلال حزب در حکومت مشروطه چه ربطی به شاه داشت

متأسفانه جامعه مابا خواندن کتاب انس زیادی ندارد. بسیاری از مردم و جوانان کتاب های ۱ تاریخی را که برای عبرت گرفتن است و عدم تکرار اشتباهات گذشته، نمی خوانند. توصیه می کنم کتاب های خاطرات علم نخست وزیر و وزیر دربار، شریف امامی نخست وزیر و رییس مجلس سنا، علینقی عالیخانی وزیر اقتصاد دولت هویدا، هوشنگ نهاوندی رییس دانشگاه های پهلوی و تهران و وزیر در دولت هویدا، ابوالحسن ابتهاج بنیانگذار سازمان برنامه، داریوش همایون وزیر دولت آموزگار، فریدون هویدا نماینده ایران در سازمان ملل و خاطرات سالیوان و پارسونز سفرای آمریکا و انگلیس در زمان انقلاب را بخوانند تا ببینند رژیم شاه، خصوصاً شخص محمد رضا پهلوی چه کرد که در ایران انقلاب شد. حتما توجه دارید که هیچ یک از کتاب های پیشنهادی متعلق به مخالفان شاه نیست بلکه همه نوشته ی کارگزاران همان رژیم و سفرای کشورهای آمریکا و انگلیس است

هیچگاه فکر کرده اید چرا شاه و علم هر دو در دهه ۵۰ عمرشان دچار بیماری سرطان شدند در حالی که تحت دقیق ترین مراقبت های پزشکی بودند؟ خاطرات علم را بخوانید تا ببینید آن میزان تمایلات جنسی و استفاده از دارو های تقویتی چه به روز آنان آورد

بنا را بر صحت می گذاریم و می گوئیم همان ۶۲ میلیون دلاری که رضا پهلوی اقرار ۱ کرد پدرش برده (امیدوارم حساب کنید که این رقم در سال ۵۷ یعنی چه ثروتی) به اضافه املاکی که پدر او از قبل در کشور های اروپایی و آمریکا خریداری کرده بود به اضافه اموالی که مادر بزرگ ها، عمه ها و عمو های رضا پهلوی از ایران بردند و ۴۵ سال است! با آن ثروت ها زندگی می کنند آیا جزء حقوق خاندان پهلوی بود؟

آیا رضا پهلوی حاضر است اعلام کند در صورت تغییر رژیم و استقرار حکومت جدید تمامی اموال خاندان پهلوی را تحت نظارت یک هیئت مورد اعتماد و وثوق مردم به ایران بازگرداند؟

بالاخره نباید روشن گردد که ایشان رضا پهلوی است؟ شاهزاده رضا پهلوی است؟ ولیعهد ایران است؟ یا رهبر انقلاب جدید تا مردم تکلیف خود را بدانند؟

از آنان که به میلیون ها زن و مرد ایرانی در روزهای انقلاب بد و بیراه می گویند که چرا انقلاب کردند می پرسم: آیا در هیچ دوره تاریخی در سراسر گیتی برای مردم ممکن است که ۴۰ یا ۵۰ سال آینده خود را ببینند تا کاری را انجام دهند یا ندهند؟ میدانید که چنین چیزی ممکن نیست. آیا شما که امروز با جزمیت تمام فقط یک خواسته دارید و آن سرنگونی جمهوری اسلامی است می توانید بگویید ۴۰ سال بعد جوانان آن دوران و خودتان اگر باشید در ایام کهولت شادمان خواهید بود یا پشیمان؟

مدت هاست پدیده ای به نام «آقازاده ها» به عنوان یک ضد ارزش بر سر زبان هاست و از این طریق بسیاری از مسئولان جمهوری اسلامی نکوهش شده اند که فرزندان آنان چون صرفاً آقازاده هستند از رانت های قدرت استفاده می کنند و ویژگی دیگری ندارند. حال از آقای رضا پهلوی و طرفداران ایشان می خواهم صادقانه پاسخ دهند که رضا پهلوی جز آنکه

«آقازاده» است چه ویژگی دیگری دارد؟ یک بام و دو هوا که نمی شود! همین است که صد سال است دور خود می گردیم و به نقطه اول می رسیم  
از مجموعه ی قرائن و اطلاعات منتشره در فضای مجازی در سال های اخیر که آخرین آن کلپ خانم ویکتوریا آزاد در اینستاگرام و از موضع دلسوزی برای رضا پهلوی است به نظر می رسد همسر و فرزندان ایشان تمایلی به ورود به صحنه ی در دسر ساز سیاست ندارند و ترجیح می دهند با ثروت بادآورده به زندگی تجملاتی و فوق مرفه خود ادامه دهند. رضا پهلوی بهتر است به نظر آنان احترام گذارد و کار بی نتیجه ای را که آغاز کرده است ادامه ندهد.

در پایان نمی توانم تأسف خود را از نتیجه ی حکمرانی بد و خطا در جمهوری اسلامی که سبب ساز توسل گروهی از مردم به امامزاده های نامراد می شود کتمان کنم. چنانچه صاحبان قدرت می پذیرفتند که به جای اتخاذ سیاست های امنیتی-نظامی در اداره کشور، رویکرد توسعه محور را در تمامی بخش های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در پیش گیرند بی تردید شاهد شرایط متفاوتی بودیم.